

بخش دوره درس:

حقوق تجارت ۲

کردآورنده:

جناب آقای فرهاد دارایی

موسسه آموزش عالی فروردین قائم شهر

حقوق تجارت ۲

شرکتهای تجاری

منبع درس: کتاب حقوق تجارت - شرکتهای تجاری جلد اول و دوم نوشته دکتر دربیعا اسکینی انتشارات سمت.

اهمیت شرکتهای تجاری

امروزه بخش عظیمی از فعالیت های اقتصادی و بازرگانی را شرکت های تجاری بر عهده دارند. اشخاص به دلیل مزایای فراوانی که شرکتهای تجاری دارند ترجیح می دهند در قالب این شرکتها به فعالیت تجاری بپردازند.

از جمله مزایای تشکیل شرکتهای تجاری موارد زیر است:

۱- فراهم نمودن سرمایه بیشتر

۲- تجمع تخصصهای گوناگون

۳- محدودیت مسئولیت

به دلیل مزایایی که تشکیل شرکت تجاری و فعالیت در قالب آن دارد امروزه دولتها نیز فعالیت اقتصادی خود را در قالب شرکتهای تجاری انجام می دهند.

منابع قانونی

مهمترین قانون راجع به شرکتهای تجاری قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ است که اساس حقوق تجارت ایران را تشکیل می دهد و باب سوم این قانون از ماده ۲۰ تا ۲۲۲ به شرکتهای تجاری اختصاص دارد.

در سال ۱۳۴۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت به تصویب رسید که مواد آن جایگزین ماده ۲۱ تا ۹۳ قانون تجارت گردید.

از دیگر مقررات مربوط به شرکتهای تجاری قانون ثبت شرکتهاست که در سال ۱۳۱۰ به تصویب رسیده است و برخی از مواد آن در سال ۱۳۶۲ اصلاح گردید.

شرکتهای تعاونی هر چند ابتدا تابع قانون تجارت بودند ولی بعدها مقررات خاص برای شرکتهای تعاونی تصویب شد. اکنون این شرکتها تابع قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰ می باشند.

شرکتهای دولتی که به کار تجارت می پردازند دارای قوانین و مقررات خاص می باشند. علاوه بر قوانین مذکور قوانین، آئین نامه و نظامنامه هایی نیز در مورد شرکتهای تجاری بطور متفرق وجود دارد.

پیشنهاد: بهتر است مجموع مقررات مربوط به شرکت های تجاری در قانون واحد جمع آوری شود.

انواع شرکتهای تجاری

شرکتهای تجاری را با توجه به میزان مسئولیت کسانی که در آن سرمایه گذاری نموده اند می توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱- شرکتهای سرمایه

۲- شرکتهای اشخاص

۳- شرکتهای مختلط

شرکتهای سرمایه به شرکتهایی اطلاق می شود که مسئولیت شرکای آن محدود به سرمایه ای است که به شرکت آورده اند و لذا اعتبار چنین شرکتهایی به میزان سرمایه شرکت بستگی دارد.

شرکت های سهامی و با مسئولیت محدود از اقسام شرکت های سرمایه محسوب می شوند.

شرکتهای اشخاص شرکتهایی هستند که در آنها مسئولیت شرکاء نامحدود است و طلبکاران شرکت می توانند برای وصول مطالبات خود به شرکاء مراجعه کنند لذا اعتبار چنین شرکتهایی بستگی به اعتبار شرکای آن دارد.

شرکتهای تضامنی و نسبی از اقسام شرکتهای اشخاص به حساب می آیند.

شرکتهای مختلط شرکتهایی هستند که در آنها هم شریک ضامن و هم شریک غیر ضامن وجود دارد. مسئولیت شرکای ضامن نامحدود و مسئولیت شرکای غیر ضامن محدود به میزان آورده آنها است.

شرکتهای مختلط سهامی و غیر سهامی انواع شرکتهای مختلط را تشکیل می دهند.

چون شرکتهای دولتی از انواع شرکتهای سهامی هستند و شرکتهای تعاونی نیز قالبی نظیر شرکتهای سهامی دارند لذا این دو قسم را باید از اقسام شرکتهای سرمایه محسوب نمود.

طبق ماده ۲۰ قانون تجارت شرکتهای تجاری عبارتند از:

۱- شرکت سهامی

۲- شرکت با مسئولیت محدود

۳- شرکت تضامنی

۴- شرکت مختلط غیر سهامی

۵- شرکت مختلط سهامی

۶- شرکت نسبی

۷- شرکت تعاونی تولید و مصرف

تقسیم بندی مطالب

چون در پاره ای موارد شرکت های تجاری تابع قواعد مشترک هستند و ذکر این قواعد به مناسبت طرح هر یک از شرکت ها به تکرار مطالب می انجامد لذا ابتدا این قواعد مشترک تحت عنوان کلیات بحث شده و سپس به قواعد و مقررات ویژه هر یک از شرکتها می پردازیم.

کلیات

در بخش کلیات به معرفی شرکت تجاری و شخصیت حقوقی آن پرداخته و انواع شرکت های تجاری معرفی می شوند.

تعریف شرکت تجاری

در قانون تجارت ایران شرکت تجاری تعریف نشده است ولی در قانون مدنی شرکت تعریف شده است. طبق ماده ۵۷۱ قانون مدنی شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شش واحد به نحو اشاعه. تعریف شرکت در قانون مدنی از اقسام مالکیت است.

علمای حقوق مدنی معتقدند عقد شرکت عقدی است که به موجب آن دو یا چند شخص، به منظور تصرف مشترک و تقسیم سود و زیان و گاه به مقصود دیگر، حقوق خود را در میان می گذارند تا به جای آن مالک سهمی مشاع از این مجموعه شوند. تعریف شرکت مدنی چه به مفهوم قسمی از مالکیت و چه به مفهوم عقدی آن بر شرکت های تجاری صادق نیست، زیرا:

- ۱- در شرکت تجاری هدف شرکاء به دست آوردن سود اقتصادی است در حالیکه شرکت مدنی ممکن است با اهداف دیگر تشکیل شود.
- ۲- در شرکت تجاری شخصیت حقوقی شرکت، مالک آورده هاست ولی در شرکت مدنی مالکیت مال از آن شرکاء است و شخصیت حقوقی مستقلی وجود ندارد.

چون در قانون ما شرکت تجاری تعریف نشده است علمای حقوق از شرکت تجاری تعریف به عمل آورده اند، از جمله تعاریف آن است که: "شرکت تجاری، قرار دادی است که به موجب آن یک یا چند نفر توافق می کنند سرمایه مستقلی را که از جمع آورده های آنها تشکیل می شود، ایجاد کنند و به موسسه ای که برای انجام مقصود خاصی تشکیل می گردد، اختصاص دهند و در منافع و زیان های احتمالی حاصل از به کارگیری سرمایه سهیم شوند." در ادبیات حقوقی ما گاه منظور از شرکت تجاری ماهیتی است که موجب پیدایش آن شده است و گاه یک شخص حقوقی تلقی گردیده است.

انتقاد: قانونگذار ما به اقتباس از قانون تجارت فرانسه که شرکت تجارتی را تعریف ننموده از تعریف شرکت تجاری غافل مانده است و حال آن که اولاً در قانون مدنی فرانسه (ماده ۱۸۳۲) شرکت تعریف شده و نیازی به تکرار در قانون تجارت آن کشور

نبوده است، حال آن که قانون تجارت ما زودتر از قانون مدنی تصویب شده است. ثانیاً تعریف شرکت مدنی که در قانون مدنی ارائه شده به شرکت تجاری صادق نیست لذا ضرورت داشت که قانون تجارت ایران تعریفی از شرکت تجاری ارائه نماید.

عناصر تشکیل دهنده شرکت

برخلاف حقوق برخی کشورها که شرکتهای تک صاحبی را پذیرفته در حقوق ما شرکت باید حداقل دو عضو داشته باشد. در شرکتهای سهامی خاص همکاری سه شخص و در شرکتهای سهامی عام همکاری پنج نفر سهامدار ضروری است. هر شخصی که تمایل به ورود در شرکت دارد باید حصه ای بیاورد که به آن آورده می گویند. مجموع آورده ها سرمایه شرکت را تشکیل می دهد. آورده ممکن است نقدی یا غیر نقد باشد.

هیچ شرکت تجاری تشکیل نمی شود مگر آن که قسمتی از سرمایه آن به صورت نقد به شرکت آورده شده باشد.

در برخی از شرکتهای تجاری نظیر سهامی پرداخت کل آورده تعهد شده حین تشکیل شرکت لازم نیست و در برخی دیگر مثل شرکت تضامنی تا تمام سرمایه شرکت پرداخت نشود شرکت تشکیل نمی گردد.

اگر آورده شریک غیرنقدی باشد ممکن است مال مادی یا غیر مادی باشد.

مال مادی: مالی که ملموس باشد اعم از عین یا منفعت را گویند.

تقویم مال مادی: یعنی مالی که بعنوان آورده به شرکت وارد می شود باید قیمت گذاری شود.

علت تقویم آورده غیر نقدی:

۱- با تقویم مال می توان دریافت که شریکی با آورده غیرنقد چه میزان در شرکت سهامی است.

۲- چون صاحب مال ممکن است ارزش بیش از قیمت واقعی برای مال خود قائل شود بهتر است در ابتدا تقویم صورت گیرد.

مکانیسم تقویم در شرکتهای سرمایه با شرکتهای اشخاص متفاوت است.

مال غیر مادی: مالی است که وجود مادی در خارج ندارد ولی جامعه و قانون آنرا

اعتبار کرده است مثل حق سرقفلی.

اموال غیرمادی هم مثل اموال مادی باید تقویم شوند.

آورده شریک اعم از مادی یا غیر مادی به شرکت منتقل می شود و در ازای آن شریک در شرکت سهامی می گردد لذا اگر بعداً اموال مزبور تلف شوند موجب خروج شریک از شرکت نمی شود.

سئوال: آیا کسی می تواند تجربه، دانش، فعالیت یا هنر خود را به عنوان آورده

به شرکت بیاورد؟ ظاهراً در مقررات ما منعی وجود ندارد.

هر چند صنعت شرکاء می تواند آورده ایشان را تشکیل دهد ولی در سرمایه شرکت گنجانده نمی شود. زیرا طلبکاران شرکت از محل آن نمی توانند استیفای طلب کنند.

هر چند شرکاء ممکن است صنعت خود را به عنوان آورده به شرکت ارائه کنند ولی صرف جمع صنعت های شرکاء منجر به تشکیل سرمایه نمی شود.

تفاوت شرکت تجاری با مالکیت مشاع:

- ۱- هدف از تشکیل شرکت تجاری به دست آوردن سود اقتصادی است ولی اشاعه در مالکیت ممکن است با اهداف دیگر ایجاد شود.
- ۲- شرکت تجاری همواره بطور اختیاری و با اراده شرکاء تشکیل می شود ولی شرکت مدنی یا همان اشاعه در مالکیت ممکن است بطور قهری به وجود آید.
- ۳- شرکت تجاری پایدارتر از اشاعه است زیرا در اشاعه هر شرکت می تواند هر زمان تقاضای تقسیم کند ولی انحلال شرکت تجاری در موارد استثنایی پذیرفته شده است.
- ۴- اداره شرکت تجاری معمولاً با اکثریت آراء صورت می گیرد ولی برای تصرف در مال مشاع اتفاق نظر شرکاء لازم است.
- ۵- در شرکت تجاری سرمایه متعلق به شخصیت حقوقی شرکت است ولی در اشاعه، شرکاء هم چنان مالک آورده ها هستند و تنها مالکیت مفروز آنها به مشاع تبدیل می شود.
- ۶- موضوع یک شرکت تجارتی باید یکی از معاملات تجاری باشد در حالی که ایجاد اشاعه در مالکیت لزوماً برای فعالیت تجاری صورت نمی پذیرد.

ماهیت حقوقی شرکت

اولین نظریه ای که در مورد ماهیت حقوقی شرکت ابراز شده به نظریه قرار دادی موسوم است. طبق این نظریه قرار داد شرکت یک وضعیت جدید حقوقی ایجاد می کند که بر روابط طرفین حاکم و در برابر اشخاص ثالث قابل استناد است ولی واقع آن است که شرکت تجاری به صرف قرار داد طرفین تشکیل نمی شود و مقررات آمره ای در مورد شرکت تجاری وجود دارد که تخطی از آنها شرکت را بی اعتبار می کند.

دومین نظریه که به نظریه سازمانی موسوم است شرکت را یک تأسیس حقوقی معرفی می کند که بر خلاف قرار داد، حقوق و تعهدات طرفین را برای رسیدن به هدف اقتصادی بطور پایدار تثبیت نمی کند. لذا حقوق شرکاء در طول حیات شرکت قابل تغییر است آن هم توسط اکثر شرکاء نه الزاماً همه آنان چنانکه در قرار داد صادق است.

برخی معتقدند هیچ یک از دو نظریه فوق به تنهایی رژیم حقوقی شرکت تجاری را بازگو نمی کند و شرکت در واقع تأسیس حقوقی خاصی است که قانونگذار در

اختیار افراد گذاشته تا امکانات مالی خود را که همان آورده هاست یک جا جمع کنند و با همکاری مشترک آن را افزایش دهند.

جستجوی سود و تقسیم آن میان شرکاء

اصولاً شرکت تجاری برای کسب سود اقتصادی تشکیل می شود تا شرکاء از آن بهره مند شوند. سودی که شرکت برای به دست آوردن آن تشکیل شده باید جنبه اقتصادی داشته باشد و شرکت نمی تواند برای تحقق سود معنوی تشکیل شود. سود اقتصادی ممکن است با افزایش ثروت حاصل شود و یا با تقلیل هزینه ها. در آیین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیر تجاری، کلیه تشکیلات و موسسات که برای مقاصد غیرتجاری از قبیل امور علمی و یا ادبی یا امور خیریه و امثال آن تشکیل می شود تشکیلات و موسسات غیرتجاری محسوب می شوند هرچند موسسین و تشکیل دهندگان آنها قصد انتفاع داشته یا نداشته باشند. هر شریک به نسبت آورده خود به کل آورده ها در سود و زیان شرکت سهیم است هر چند ممکن است شرط خلاف شده باشد. توافق شرکاء در نحوه تقسیم سود یا زیان تا زمانی معتبر است که خلاف مفهوم و مقتضای شرکت نباشد. شریکی که بیش از نیست آورده یا سهام خود از سود بهره مند می شود یا زیان کمتری را تحمل می کند "شریک ممتاز" خوانده می شود.

شخصیت حقوقی شرکت تجاری

در ماده ۵۸۳ قانون تجارت برای شرکت های تجاری شخصیت حقوقی فرض شده است. داشتن شخصیت حقوقی ویژگی مشترک تمام شرکتهای تجاری است هر چند این ویژگی مشترک در شرکتهای مختلف جلوه ای متفاوت دارد. در خصوص ماهیت شخصیت حقوقی نظریات مختلفی ابراز شده است: برخی شخصیت حقوقی را واقعیتی انکار ناپذیر دانسته اند و گروهی آن را فرض قانونی می شمارند و عده ای شخصیت حقوقی را محدود به تصرف و تملک یک دارایی جمعی که به هدف خاصی اختصاص داده شده می دانند. در حقوق، به نظر می رسد اصل بر فقدان شخصیت گروه است مگر آن که قانونگذار چنین شخصیتی را به آنها اعطا نمایند. به عبارت دیگر از میان نظریات فوق الذکر نظریه دوم با حقوق، تطبیق می کند. هر چند شخصیت حقوقی شرکتهای تجاری اقتباسی از شخصیت شخص حقیقی است و به سان شخص حقیقی، شرکت دارای نام، تابعیت، اقامتگاه و اهلیت است ولی از جهاتی هم با شخص حقیقی متفاوت است. شرکت تجاری فاقد روح، وجدان و احساس است و برخلاف اشخاص حقیقی دارای شخصیت حقوقی کاملی نیست لذا ماده ۵۸۸ قانون تجارت مقرر داشته: "شخص حقوقی می تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است، مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد، مانند حقوق و وظایف ابوت، بنوت و امثال ذلک".

آغاز شخصیت حقوقی شرکت

در بسیاری از کشورهای اروپایی شرکتهای تجاری از هنگام ثبت دارای شخصیت حقوقی می گردند ولی در حقوق ایران چنین ضابطه دقیقی وجود ندارد. از مفهوم ماده ۵۸۴ قانون تجارت چنین استنباط می شود که شرکت های تجاری برای یافتن شخصیت حقوقی لازم نیست به ثبت برسند لذا از تاریخی که ایجاد یا تشکیل شوند دارای شخصیت حقوقی هستند.

سوال:

شرکت های تجاری از چه زمانی تشکیل شده محسوب می شوند؟
پاسخ در مورد شرکتهای مختلف یکسان نیست ولی مسلم است که شخصیت شرکت از زمان انعقاد قرار داد و به صرف آن ایجاد نمی شود.

پیشنهاد:

چنانکه در حقوق کشورهای اروپایی آمده قانونگذار ما هم باید برای جلوگیری از این آشفتگی تاریخ دقیقی را معین کند تا از آن زمان شرکت های دارای شخصیت حقوقی گردند و تاریخ ثبت شرکتهای بهترین تاریخ است.

تبدیل شرکت تجاری

در تبدیل شرکت تجاری بدون آن که شخصیت شرکت ایجاد شده از بین برود شکل و قالبی جدید پیدا می کند. فایده بقای شخصیت حقوقی شرکت در تبدیل آن است که دیگر برخی هزینه ها را شرکای آن پرداخت نمی کنند مانند حق ثبت شرکت و یا این که از نام شرکت و اعتبار و شناخته شدن آن در میان مشتریان بهره می برند. موضوع تبدیل شرکت تجاری در مواردی به صراحت در قانون پیش بینی شده است مثل ماده ۱۳۵ قانون تجارت و ماده ۱۸۹ ناظر به ماده ۱۳۵ همان قانون و ماده ۲۷۸ لایحه قانونی سال ۱۳۴۷.

سؤال:

در مواردی که تبدیل شرکت تجاری در قانون پیش بینی نشده است آیا تبدیل شرکت ممکن است؟
به طور مسلم، بدون رضایت تمام شرکاء نمی توان شرکتی را به شرکت دیگر تبدیل کرد زیرا ممکن است تبدیل شرکت متضمن تعهدات بیشتری بر شرکاء گردد ولی اگر تمام شرکاء موافق تبدیل شرکت باشند به استناد ماده ۱۰ قانون مدنی و عدم منع قانونی توافق آنها موثر است. رویه قضایی محاکم نیز این نظر را تأیید می کند.
در تبدیل شرکتی به شرکت دیگر رعایت مقررات ایجاد شرکتی که شکل و قالب جدید شرکت قبلی را تشکیل می دهد ضروری است.

تبدیل شرکت نمی تواند به حقوق اشخاص ثالث که قبل از تبدیل ایجاد شده است، لطمه بزند.

ادغام و تجزیه شرکتهای تجاری

ادغام وقتی حاصل می شود که شرکتی شرکت دیگر را امحا و در خود حل کند و یا دو یا چند شرکت در یکدیگر حل شده و شرکت جدیدی از آنها به وجود آید. تجزیه حاصل انفکاک و تقسیم دارایی یک شرکت میان دو یا چند شرکت قبلاً موجود یا جدید است. وجه اشتراک ادغام و تجزیه آن است که موجب انحلال شرکتهایی می شوند که از بین می روند، بدون اینکه اموال آنها تصفیه شود. دارایی شرکتهایی که در نتیجه ادغام و تجزیه از بین می روند به شرکت جدید انتقال می یابد.

ادغام و تجزیه شرکتهای تجاری در مقررات ما به صراحت پیش بینی نشده است ولی مطابق با اصول کلی منعی هم برای این امور وجود ندارد و به نظر می رسد با حفظ حقوق اشخاص ثالث و با توافق همه شرکا می توان چنین کرد.

پایان شخصیت حقوقی شرکت

برخلاف آنچه ابتدا به ذهن می رسد شرکت تجاری با انحلال آن که ممکن است به حکم مراجع قضایی یا بدون آن رخ دهد شخصیت حقوقی خود را از دست نمی دهد بلکه شرکت منحل باید مراحل تصفیه را طی کند و تا پایان تصفیه حقوقی شرکت باقی است. در قانون تجارت باقی بودن شخصیت حقوقی شرکت منحل تا ختم تصفیه به صراحت پیش بینی نشده است ولی از خلال مواد مربوط به تصفیه امور شرکتهای خصوصاً ماده ۲۰۸ می توان آنرا استنباط نمود.

در مورد شرکتهای سهامی ماده ۲۰۸ لایحه قانونی ۱۳۴۷ صراحت دارد که تا خاتمه امر تصفیه شخصیت حقوقی شرکت باقی خواهد ماند.

بقای شخصیت حقوقی شرکت تا ختم تصفیه نتایجی در بر دارد که از آن جمله:

- ۱- دارایی شرکت مستقل از دارایی شرکا باقی می ماند و طلبکاران شرکت حق رجوع به شرکای شرکت را تا ختم تصفیه ندارند.
- ۲- مدیران تصفیه می توانند بنام شرکت منحل در حال تصفیه معاملاتی را که لازم است انجام دهند.
- ۳- مدیران تصفیه می توانند به نام شرکت علیه اشخاص ثالث اقامه دعوی کنند.
- ۴- اشخاص ثالث می توانند علیه شرکت در حال تصفیه طرح دعوی نمایند.
- ۵- اعلام ورشکستگی شرکت منحل در حال تصفیه به دلیل وجود شخصیت حقوقی اش امکان پذیر است.

اگر کسانی با تشکیل شرکت بخواهند از شخصیت حقوقی آن سوء استفاده کنند بنا به مورد دارای مسئولیت حقوقی و کیفری خواهند بود، با وضع مقررات در این

زمینه قانونگذار خواسته است مسئولیت اشخاص حقیقی که به نام شخص حقوقی عمل می کنند نادیده گرفته نشود.

اسم شرکت

شرکتهای تجاری مانند اشخاص حقیقی نامی دارند که به آن موسومند. نام گذاری شرکتهای مختلف تجاری تابع مقررات ویژه مربوط به آنهاست. اسم شرکت الزاماً اسم تجارتی آن نیست ولی چون شرکت تحت این عنوان تجارت می کند، معمولاً اسم شرکت اسم تجارتی او نیز هست و از این نظر، دارای ارزش اقتصادی بوده و قسمتی از دارایی شرکت را تشکیل می دهد و قابل انتقال به غیر می باشد.

دارایی شرکت

شرکت مالک دارایی آن است که از مجموع آورده های شرکا تشکیل شده است. این دارایی و هر چیزی که در زمان حیات شرکت به آن افزوده شده باشد متعلق به شرکت است. دارایی شرکت از دارایی شرکاء مستقل بوده و نتایج زیر را در بر دارد:

- ۱- دارایی شرکت تضمین انحصاری پرداخت طلب طلبکاران است.
- ۲- ورشکستگی شرکت با ورشکستگی شرکاء و ورشکستگی شرکاء با ورشکستگی شرکت ملازمه ندارد.
- ۳- شرکت در ازای منافع حاصل از فعالیتش، مسئول پرداخت مالیات است و وضع مالیات بر شرکت، موکول به تقسیم منافع میان شرکا نیست.

اهلیت شرکت تجاری

شرکت تجاری دارای شخصیت است و لذا می تواند صاحب حق و تکلیف شود و به مانند اشخاص حقیقی عمل کند با این حال اهلیت شرکت تجاری مطلق نیست و مثلاً نمی تواند حقوق و تعهداتی که خاص انسانهاست داشته باشد علاوه این که اهلیت شرکت تجاری محدود به موضوع مندرج در اساسنامه آن است. اداره شرکت تجاری از طریق اشخاص حقیقی که عهده دار اداره آن هستند ابراز می شود. مشروط بر آن که این اشخاص بطور قانونی انتخاب و دارای اختیارات لازم باشند. لازم به ذکر است که نمایندگی شرکتهای تجاری با وضع مقررات حاکم در حیطه حقوق مدنی و وکالت گاه متفاوت است.

اقامتگاه شرکت

هر شرکت تجاری باید مستقل از شرکا دارای اقامتگاهی باشد. تعیین اقامتگاه شرکت فوایدی دارد که از آن جمله است:

- ۱- اقامتگاه شرکت معین می کند که شرکت تابعیت چه کشوری را دارد.
- ۲- برای اقامه دعوی علیه شرکت، طلبکاران باید به دادگاه محل اقامت شرکت رجوع کنند.

۳- دادگاه صلاحیتدار برای صدور حکم ورشکستگی شرکت، دادگاه محل اقامت خود شرکت است.

مفهوم اقامتگاه

طبق ماده ۵۹۰ قانون تجارت: "اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی در آنجاست".

ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی مقرر می دارد: "اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها خواهد بود".

برخی دو ماده مذکور را در تعیین اقامتگاه اشخاص حقوقی و از جمله شرکتهای تجاری در تناقض با یکدیگر دانسته اند و قانون مدنی را که پس از قانون تجارت تصویب شده ناسخ می شمارند و عده ای اقامتگاه شرکتهای تجاری را به تبعیت از قانون تجارت محل اداره آن می دانند.

به نظر می رسد هیچ تناقضی میان دو ماده مزبور وجود ندارد زیرا منظور از مرکز عملیات، محلی است که عملیات از آنجا هدایت می شود و با این بیان محل اداره یا مرکز اصلی شرکت همان مرکز عملیات خواهد بود. لذا نباید میان مرکز عملیات و محل عملیات خلط نموده و مادتين ۵۹۰ ق.ت و ۱۰۰۲ ق.م را در تناقض با یکدیگر تلقی کنیم.

نحوه تعیین اقامتگاه

معمولاً مرکز اصلی شرکت در اساسنامه آن معین می شود و لذا اقامتگاه شرکت را می توان با مراجعه به اساسنامه آن تعیین نمود.

سؤال: اگر شرکتی در اساسنامه دارای اقامتگاهی بوده و در عمل مرکز اصلی آن جای دیگر باشد کدام یک از دو محل اقامتگاه شرکت محسوب می شود؟

در پاسخ باید گفت که شخص نمی تواند اقامتگاه غیر واقعی داشته باشد و لذا اگر اقامتگاه واقعی شرکت با اقامتگاه اساسنامه ای او متفاوت باشد اشخاص ثالث می توانند اقامتگاه اساسنامه ای او را نادیده بگیرند ولی اگر اشخاص ثالث از اقامتگاه واقعی شرکت اطلاعی نداشته باشند اصل بر آن است که اقامتگاه شرکت محلی است که در اساسنامه درج شده است و اشخاص ثالث الزامی به جستجوی اقامتگاه واقعی شرکت ندارند.

شرایط تغییر اقامتگاه

چون اقامتگاه شرکت در اساسنامه یا شرکتنامه درج می شود لذا تغییر اقامتگاه شرکت مستلزم تغییر اساسنامه یا شرکتنامه است و تابع تشریفات تغییر در اساسنامه یا شرکتنامه می باشد.

ماده ۱۱۱ ق.ت و ماده ۸۳ لایحه قانونی ۱۳۴۷ در مورد تغییر اساسنامه شرکت با مسئولیت محدود و سهامی است ولی در مورد سایر شرکتهای ماده خاصی وجود ندارد. به نظر

می رسد اگر تغییر اقامتگاه موجب تشدید تعهدات شرکاء گردد توافق همه آنها ضروری است ولی اگر چنین نباشد تصمیم اکثریت برای تغییر اقامتگاه کافی است. اگر تغییر اقامتگاه موجب تغییر تابعیت شرکت شود باید شرایط لازم برای تغییر تابعیت نیز رعایت شود. جابجایی نشانی شرکت در یک شهر، تغییر اقامتگاه محسوب نمی شود.

تابعیت شرکت

در خصوص این که شرکت تجاری می تواند دارای تابعیت باشد یا خیر در میان حقوقدانها اختلاف نظر است ولی امروزه در اغلب قوانین دنیا برای شرکت هایی که دارای شخصیت حقوقی هستند وجود تابعیت پذیرفته شده است.

فواید تعیین تابعیت شرکت:

- ۱- با تعیین تابعیت شرکت می توان مشخص کرد که آیا شرکت مطابق مقررات کشور متبوع خود درست تشکیل شده و طرز کار یا انحلال آن مطابق قانون کشور متبوع شرکت صحیح بوده یا خیر.
- ۲- با تعیین تابعیت شرکت می توان حقوق و تکالیف آن را براساس قانون کشور متبوع مشخص نمود.
- ۳- در صورت داشتن تابعیت خارجی می توان حدود فعالیت اقتصادی شرکت را در داخل کشور تعیین نمود.
- ۴- اگر شرکت خارجی تلقی شود در مقررات ارزی برای انتقال ارز به خارج از کشور محل شرکت، برای او شرایط آسانتری قائل خواهند بود.
- ۵- تعیین تابعیت شرکت می تواند در تعیین برخی معافیتهای مالیاتی تعیین کننده باشد.
- ۶- دولتها در صورتی مکلف به حمایت از شرکت ها می باشند که تابع آنها باشند.

طرز تعیین تابعیت شرکت

برای تعیین تابعیت یک شرکت تجاری ملاکهای متنوعی در قوانین و مقررات کشورها دیده می شود برخی تابعیت شرکاء و یا محل ثبت شرکت را ملاک تعیین تابعیت دانسته و گروهی مرکز اصلی شرکت را منظور می نمایند. در حقوق ایران طبق ماده یک قانون ثبت شرکتها برای آن که شرکتی ایرانی باشد دو ملاک در نظر گرفته شده است:

- ۱- شرکت بایستی در ایران تشکیل شده باشد.
 - ۲- مرکز اصلی آن در ایران باشد.
- در مورد تعیین تابعیت شرکت های خارجی باید براساس ماده ۵۹۱ ق.ت. قضاوت نمود. طبق ماده مزبور: "اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در آن مملکت است".
- سئوال:** اگر شرکتی در ایران تشکیل نشده باشد ولی مرکز اصلی آن در ایران باشد چه تابعیتی را دارد؟

بعضی عقیده دارند چون قانون تجارت پس از قانون ثبت شرکتهای تصویب شده باید قانون تجارت را فاسخ قانون ثبت شرکتهای تلقی کرد و لذا شرکت تابعیت ایرانی خواهد داشت.

تغییر تابعیت

هر چند در حقوق ایران مرکز شرکت و تابعیت آن با هم مرتبط هستند ولی صرف تغییر اقامتگاه موجب تغییر تابعیت نمی شود.

در مورد شرکت سهامی ماده ۹۴ لایحه قانونی ۱۳۷۴ مقرر داشته: "هیچ مجمع عمومی نمی تواند تابعیت شرکت را تغییر دهد ...". مفهوم این ماده آنست که برای تغییر تابعیت اتفاق نظر سهامداران لازم است.

ماده ۱۱۰ قانون تجارت در خصوص شرکتهای با مسئولیت محدود بیان می کند: "شرکاء نمی توانند تابعیت شرکت را تغییر دهند مگر به اتفاق آراء".

اگر شرکت ایرانی بخواهد تابعیت خود را تغییر دهد باید شرکایش به اتفاق آراء با انتقال مرکز اصلی آن به خارج موافقت نمایند. صرف اتفاق نظر مبنی بر تغییر تابعیت موثر نیست.

انواع و طبقه بندی شرکتهای تجاری

انواع شرکتهای تجاری در ماده ۲۰ قانون تجارت نام برده شده اند که قبلاً مطالعه شد ولی باید توجه نمود که هفت قسم شرکت مذکور در ماده ۲۰ تنها شرکتهایی نیستند که در عمل وجود دارند.

در حال حاضر شرکتهای از تنوع زیادی برخوردارند ولی علیرغم گوناگونی، قالبهای عمده آنها همان قالبهایی است که در قانون تجارت پیش بینی شده است.

در میان انواع شرکتهای تجاری، شرکت سهامی بیشتر از دیگر شرکتهای مورد اقبال قرار گرفته است.

شرکتهای تجاری را می توان با معیارهای متعددی تقسیم و طبقه بندی نمود، مانند:

- طبقه بندی براساس مسئولیت شرکاء
- طبقه بندی براساس طرز تشکیل شرکتهای
- طبقه بندی براساس قابلیت انتقال حصه شرکاء
- طبقه بندی براساس موضوع شرکتهای
- طبقه بندی براساس صاحبان سرمایه
- طبقه بندی براساس تابعیت شرکتهای

تعریف شرکت سهامی

طبق ماده یک لایحه قانونی ۱۳۴۷: "شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است".

اقسام شرکت سهامی:

ماده چهار لایحه قانونی ۱۳۴۷ شرکتهای سهامی را به دو نوع تقسیم کرده است که عبارتند از شرکت سهامی عام و شرکت سهامی خاص. شرکت هایی که موسسان آنها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تأمین می کنند، "شرکت سهامی عام" و شرکتهایی که تمام سرمایه آنها در موقع تأسیس منحصراً به وسیله موسسان تأمین می گردد، "شرکت سهامی خاص" نامیده می شوند.

تاریخچه قانونی

چنانچه قبلاً اشاره شد مقررات شرکت سهامی مواد ۲۱ تا ۹۳ قانون تجارت را به خود اختصاص داده بود که در سال ۱۳۴۷ لایحه قانونی در ۳۰۰ ماده جایگزین مواد مزبور گشت. لایحه قانونی ۱۳۴۷ از قانون ۱۹۶۶ فرانسه اقتباس شده است. تعداد مواد مربوط به شرکت سهامی در قیاس با سایر شرکت های تجاری نشانگر اهمیتی است که قانونگذار به شرکت سهامی و نقش آن در حیات اقتصادی کشور داده است.

استقلال شخصیت حقوقی شرکت

قبلاً گفته شد که شرکتهای تجاری دارای شخصیت حقوقی مستقل از شخصیت شرکا می باشند. این استقلال شخصیت در شرکتهای سهامی نمود بیشتری دارد زیرا حوادثی چون فوت یا ورشکستگی شرکا که ممکن است منجر به انحلال بعضی از شرکتهای نظیر تضامنی گردد در شرکت سهامی بی اثر است. همچنین استقلال شخصیت حقوقی شرکت سهامی موجب قدرت آن در مقابل شرکا به ویژه اقلیت است و در بیشتر موارد تصمیم شرکا در سرنوشت شرکت تأثیر قابل ملاحظه ای ندارد.

نام شرکت

نام شرکت توسط موسسین شرکت انتخاب می شود و به عنوان یکی از بندهای اساسنامه باید به تصویب مجمع عمومی موسس برسد. طبق تبصره ماده ۴ لایحه ۱۳۴۷ در نام شرکتهای سهامی عام باید عبارت "شرکت سهامی عام" و در شرکتهای سهامی خاص باید عبارت "شرکت سهامی خاص" قبل یا بعد از نام شرکت قید شود.

در ماده ۲۲ قانون تجارت مقرر شده بود که نام هیچ یک از شرکا و سهامداران نباید در نام شرکت قید شود. به نظر می رسد اکنون نیز باید شرط مزبور رعایت شود زیرا شرکت سهامی از اقسام شرکت سرمایه بوده و نباید از نام و شخصیت شرکایش کسب شهرت و اعتبار نماید. سرپیچی از مقررات نامگذاری در حقوق فرانسه جریمه در پی دارد ولی در حقوق ایران مجازات خاصی در مقررات وجود ندارد و حداکثر موضوع مشمول مقررات عام قرار می گیرد.

اقامتگاه شرکت

مرکز اصلی شرکت که همان اقامتگاه شرکت محسوب می شود باید در اساسنامه شرکت ذکر شود. تغییر اقامتگاه مستلزم تغییر اساسنامه بوده و تغییرات اساسنامه در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده شرکتهای سهامی است. چنانکه گفته شد صرف تغییر اقامتگاه موجب تغییر تابعیت شرکت نمی شود.

تابعیت شرکت

تابعیت شرکت سهامی مشمول همان قواعدی است که قبلاً مطالعه شد و چون ماده ۹۴ لایحه قانونی ۱۳۴۷ مقرر کرده است "هیچ مجمع عمومی نمی تواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد" لذا برای تغییر دادن تابعیت شرکت سهامی اتفاق نظر شرکاء لازم است.

سرمایه شرکت

چون شرکت سهامی از اقسام شرکتهای سرمایه است لذا سرمایه در این نوع شرکتها از اهمیت زیادی برخوردار است. تنها شرکتی که قانونگذار برای آن حداقل سرمایه پیش بینی کرده شرکت سهامی است. طبق ماده ۵ لایحه قانونی ۱۳۴۷ حداقل سرمایه در شرکت سهامی خاص یک میلیون ریال و در سهامی عام پنج میلیون ریال می باشد. سرمایه شرکت باید ثابت بماند و یا به عبارتی سرمایه غیر قابل برداشت بوده و نمی توان آنرا به عنوان سود میان صاحبان سهام تقسیم کرد. تغییر در سرمایه شرکت اعم از کاهش یا افزایش چون مستلزم تغییر در اساسنامه شرکت است لذا باید با تصویب مجمع عمومی فوق العاده صورت بگیرد. از ویژگیهای سرمایه در شرکت های سهامی آنست که به قطعات مساوی تقسیم می شود که هر قطعه را سهم می نامند.

شعبه شرکت

شرکتها برای توسعه فعالیتهای اقتصادی خود اقدام به تأسیس شعبه می کنند. در قانون تعریفی از شعبه به عمل نیامده است ولی درج محل شعبه در کنار مرکز اصلی شرکت از بندهای اساسنامه می باشد. شعبه شخصیت حقوقی مستقل از شرکت ندارد و لذا تفاوتی میان دارایی شرکت با دارایی شعبه وجود ندارد. تنها تفاوت شعبه با شرکت در نشانی آن است. هر چند اقامه دعوی علیه شرکت باید در محل اقامت شرکت که همان مرکز اصلی است صورت پذیرد ولی در قانون آیین دادرسی مدنی طرح دعاوی ناشی از تعهدات هر شعبه با اشخاص خارج در دادگاه محل شعبه پذیرفته شده است. اگر شعبه برچیده شده باشد دعوی باید در مرکز اصلی شرکت طرح شود.

شرکتهای وابسته مفهومی متفاوت از شعبه دارند.
هر چند شعبه نماینده شرکت است ولی نمایندگی نیز از شعبه متفاوت است.

فعالیت شرکت

چنان که در طبقه بندی شرکتهای گفته شد شرکتهای سهامی از جمله شرکتهای شکلاً تجاری هستند.
طبق ماده ۲ لایحه قانونی ۱۳۴۷: "شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب می شود ولو اینکه موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد".
شرکت سهامی ممکن است هم به لحاظ شکل و هم فعالیت تجاری باشد.

تشکیل شرکت سهامی

چون تشکیل شرکت سهامی عام و شرکت سهامی خاص تفاوتهایی با یکدیگر دارند لذا هر یک جداگانه مطالعه می شود.

تشکیل شرکت سهامی عام

اشخاصی که در صدد تأسیس شرکت هستند اصطلاحاً موسسین خوانده می شوند که ممکن است از اشخاص حقوقی یا حقیقی باشند.
موسسین شرکت باید مقررات قانونی را در تشکیل شرکت رعایت نمایند. ماده ۲۳ لایحه قانونی ۱۳۴۷ ضمانت اجرای عدم رعایت مقررات را مسئولیت تضامنی ایشان دانسته مقرر می دارد: "مؤسسین شرکت نسبت به کلیه اعمال و اقداماتی که به منظور تأسیس و به ثبت رسانیدن شرکت انجام می دهند مسئولیت تضامنی دارند".
پس از ثبت شرکت، نمی توان به هیچ کدام از شرکاء عنوان مؤسس داد.
در برخی از کشورها مؤسسین برای ایجاد شرکت باید از دولت کسب اجازه کنند ولی در مقررات ما نیازی به اخذ مجوز نیست. برخی حقوقدانها معتقدند تأسیس شرکت سهامی عام با اجازه دولت موجب اعتماد مردم به سرمایه گذاری در شرکت های سهامی عام خواهد شد.
برای تأسیس شرکت سهامی عام، موسسین باید ابتدا به یک بانک مراجعه نموده و حسابی به نام شرکت در شرف تأسیس افتتاح کنند.
بیشتر درصد سرمایه شرکت را موسسین باید خود تعهد نموده و حداقل ۳۵٪ آنرا به حساب مذکور واریز نمایند.
اگر آورده موسسین غیر نقد باشد اسناد آن در بانک تودیع می شود.
موسسین باید اظهارنامه ای را به انضمام پیش نویس اساسنامه شرکت و پیش نویس اعلامیه پذیره نویسی سهام که به امضای موسسین رسیده به اداره ثبت شرکتهای تهران یا دایره ثبت شرکتهای در شهرستانها تقدیم کنند.
مندرجات اظهارنامه، طرح اساسنامه و طرح اعلامیه پذیره نویسی در مواد ۷ و ۸ و ۹ لایحه قانونی ۱۳۴۷ ذکر شده است.

مرجع ثبت شرکتها در صورت تکمیل بودن مدارک، اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی را موسسین می دهد.

مرجع قبت شرکتها تکلیفی به تحقیق در مورد صحت اظهارات موسسین ندارد لذا اگر موسسین اطلاعات غیر صحیح ارائه کنند خود مسئول می باشند. (ماده ۱۰)

طبق ماده ۱۱ لایحه قانونی ۱۳۴۷ "اعلامیه پذیره نویسی باید توسط موسسین در جراید آگهی گردیده و نیز در بانکی که تعهد سهام نزد آن صورت می گیرد در معرض دید علاقمندان قرار داده شود.

با انتشار اعلامیه پذیره نویسی، موسسین از عموم برای سرمایه گذاری در شرکت در شرف تأسیس دعوت به عمل می آورند.

پذیره نویسی

پذیره نویسی یک عمل حقوقی است که به موجب آن شخص قسمتی از سرمایه شرکت سهامی عام در شرف تأسیس را تعهد نموده و بخشی از مبلغ تعهد شده را که نباید کمتر از ۲۵٪ باشد به حساب شرکت در شرف تأسیس واریز می کند.

تمام اشخاصی که دارای اهلیت هستند می توانند اقدام به پذیره نویسی نمایند.

پذیره نویسان ممکن است از اشخاص حقیقی یا حقوقی باشند.

چون طبق اصل ۸۱ قانون اساسی امتیاز تشکیل شرکت به خارجیان داده نشده است لذا به نظر می رسد اتباع کشورهای خارجی حق پذیره نویسی در ایران را نداشته باشند.

عیوب و ایرادات ماهوی در عمل پذیره نویسی تابع مقررات عام حقوق مدنی است. عدم رعایت مقررات شکلی در پذیره نویسی به نظر می رسد موجب بطلان آن شود.

ورقه تعهد سهم

پذیره نویسی با امضای نوشته ای تحقق پیدا می کند که به آن ورقه تعهد سهم گفته می شود مندرجات ورقه تعهد سهم در ماده ۱۳ لایحه قانونی ۱۳۴۷ ذکر شده است.

طبق ماده ۱۴ لایحه قانونی ۱۳۴۷ "ورقه تعهد سهم در دو نسخه تنظیم و با قید تاریخ به امضای پذیره نویس یا قائم مقام قانونی او رسیده، نسخه اول نزد بانک نگهداری و نسخه دوم با قید رسید وجه و مهر و امضای بانک به پذیره نویس تسلیم می شود".

چون پذیره نویسی به منزله قبولی به ایجاب موسسین می باشد لذا پس از امضای ورقه تعهد سهم از سوی پذیره نویس قطعی و الزام آور است.

سئوال: اگر برای سرمایه شرکت حدی معین شده و سرمایه جمع آوری شده از طریق پذیره نویسی بیش از حد مذکور باشد چه باید کرد؟

برخی معتقدند پذیره نویسی اشخاص تا حد سرمایه تعیینی پذیرفته و مازاد از عضویت در شرکت محرومند و عده ای معتقدند باید میزان سهام همه پذیره نویسان را تقلیل داد.

هر یک از دو راه حل اگر در اعلامیه پذیره نویسی اختیار شود بلا اشکال است ولی در صورتی که موضوع در اعلامیه تعیین تکلیف نشده باشد به نظر می رسد راه اول منطبق با موازین است.

در فرصتی که برای پذیره نویسی اعلام شده است باید کل سرمایه شرکت پذیره نویسی شود .

مؤسسان باید تعهد کامل سرمایه را از طرف پذیره نویسان و مؤسسان احراز کنند. اگر در مدت اعلام شده کل سرمایه شرکت پذیره نویسی نشود ممکن است مهلت مزبور تمدید شود . در صورتی که سرمایه شرکت بطور کامل و صحیح تعهد نشود و نیز ۲۵٪ مقرر در قانون پرداخت نگردد ، شرکت نمی تواند تشکیل شود .

سؤال : اگر سرمایه تعهد شده در مهلت پذیره نویسی کمتر از مبلغ تعیین شده در طرح اساسنامه باشد آیا می توان سرمایه شرکت را به اندازه پذیره نویسی شده تقلیل داد ؟ پاسخ منفی است زیرا پذیره نویسان با توجه به شرایط اعلامیه پذیره نویسی اقدام به این کار کرده اند لذا جلب رضایت آنها به شرایط جدید و از جمله تقلیل سرمایه ضروری است . پس اگر در مجمع عمومی مسئله طرح شود و همه به آن رأی دهند دلیلی برای عدم پذیرش تقلیل سرمایه شرکت وجود ندارد .

مقررات جزایی در پذیره نویسی

- ۱- اگر مؤسسان بدون آن که واقعاً تعهد سهام انجام شده باشد و یا کامل و صحیح باشد آنرا تأیید کنند یا تعهد اشخاصی را که از نظر حقوقی باطل است بپذیرند .
 - ۲- اگر اشخاصی عالماً و بر خلاف مقررات ، اعلامیه پذیره نویسی منتشر کنند .
 - ۳- ارائه اطلاعات غلط و نادرست در مورد تشریفات پذیره نویسی به مرجع ثبت شرکتها .
- ماده ۲۴۳ لایحه قانونی ۱۳۴۷ برای موارد مذکور مجازات منظور نموده است .

تخصیص سهام

تعیین تعداد سهام بر عهده مؤسسان است که باید پیش از دعوت و تشکیل مجمع عمومی مؤسس صورت گیرد. در قبال آورده هر کدام از مؤسسان و پذیره نویسان به تعداد لازم سهم اختصاص داده می شود .

تعیین تعداد سهام در صورت مجلسی که به امضای مؤسسان می رسد قید شده و به مجمع عمومی مؤسس گزارش خواهد شد .

طبق تبصره ۷۴ لایحه قانونی گزارش موسسین باید حداقل پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی مؤسس در محلی که در آگهی دعوت مجمع تعیین شده است برای مراجعه پذیره نویسان سهام آماده باشد .

مجمع عمومی مؤسس

مجمعی است که با حضور پذیرهنویسان و مؤسسين تشکیل می‌شود و پس از انجام وظایفی که در حدود صلاحیت آن است دیگر در طول حیات شرکت تشکیل نخواهد شد .
مؤسسين حداکثر ظرف یک ماه از پایان مهلت پذیرهنویسی آنها را بررسی و پس از احراز صحت تعهد کل سرمایه و واریز حداقل ۲۵٪ آن به حساب شرکت در شرف تأسیس و پس از تخصیص سهام هر یک از مؤسسين و پذیرهنویسان از طریق روزنامه کثیرالانتشاری که نام آن در طرح اعلامیه پذیرهنویسی ذکر شده بود جهت شرکت در مجمع عمومی مؤسس دعوت می‌شوند .
(مندرجات آگهی دعوت در ماده ۱۰۰ لایحه قانونی آمده است) .

نصاب لازم جهت رسمیت مجمع عمومی مؤسس

برای این که جلسه مجمع عمومی مؤسس رسمیت پیدا کند طبق ماده ۷۵ لایحه قانونی ۱۳۴۷ حضور تعدادی از پذیرهنویسان که حداقل نصف سرمایه شرکت را تعهد نموده باشند ضروری است اگر جلسه به رسمیت نرسید مؤسسين دو بار دیگر فرصت دعوت دارند .
در بار دوم و سوم حضور صاحبان یک سوم سرمایه شرکت در جلسه مجمع ضروری است .
در صورتی که نوبت سوم هم جلسه رسمیت نیابد مؤسسين عدم تشکیل شرکت را اعلام می‌دارند .

اداره جلسه مجمع عمومی مؤسس

طبق ماده ۱۰۱ لایحه قانونی ، مجمع عمومی توسط هیأت رئیسه‌ای مرکب از یک رئیس و یک منشی و دو ناظر اداره می‌شود .
اشخاص مذکور با رأی حاضرین در مجمع انتخاب می‌شوند .
رئیس مجمع و ناظران باید از میان صاحبان سهام باشند ولی منشی جلسه ممکن است غیر صاحب سهم باشد .

طریق تصمیم‌گیری

تصمیم‌گیری در مجمع عمومی مؤسس با رأی‌گیری از حاضران در جلسه انجام می‌گیرد.
هر سهم‌دارای یک رأی بوده و لذا مؤسسين یا پذیرهنویسان به تعداد سهامی که دارند در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت می‌نمایند .
تصمیمات مجمع عمومی مؤسس براساس ماده ۷۵ لایحه قانونی با دو ثلث آراء حاضرین معتبر است .

تجدید جلسه مجمع

براساس ماده ۱۰۴ لایحه قانونی ۱۳۴۷ «هر گاه در مجمع عمومی تمام موضوعات مندرج در دستور مجمع مورد اخذ تصمیم واقع نشود هیأت رئیسه مجمع با تصویب مجمع می‌تواند اعلام تنفس نموده و تاریخ جلسه بعد را که نباید دیرتر از دو هفته باشد تعیین کند ، تمدید جلسه

محتاج به دعوت و آگهی مجدد نیست و در جلسات بعد مجمع با همان حد نصاب جلسه اول ، رسمیت خواهد داشت .

صورتجلسه مجمع

تنظیم صورتجلسه مجمع که از مذاکرات و تصمیمات آن باید تهیه شود به عهده منشی مجمع است که طبق ماده ۱۰۵ به امضای هیأت رئیسه مجمع می‌رسد و یک نسخه از آن در مرکز شرکت نگهداری خواهد شد .

در موارد زیر یک نسخه از صورتجلسه مجمع باید به مرجع ثبت شرکتها نیز ارسال شود :

۱- انتخاب مدیران و بازرس یا بازرسان

۲- تصویب ترازنامه

۳- کاهش یا افزایش سرمایه و هر نوع تغییر در اساسنامه

۴- انحلال شرکت و نحوه تصفیه آن

صلاحیت مجمع عمومی مؤسس

مجمع عمومی مؤسس پس از تشکیل به موارد زیر پرداخته و تصمیم‌گیری می‌نماید :

۱- تصویب گزارش مؤسسان

مواردی که باید در گزارش مؤسسان آمده باشد در ماده ۱۶ لایحه قانونی ذکر شده است .

تصویب آورده‌های غیرنقدی

مجمع باید تصمیم بگیرد که آیا آورده غیرنقد را برای شرکت می‌پذیرد یا خیر و در صورت پذیرش آنرا به چه قیمت برای شرکت احتساب می‌نماید .

ماده ۷۸ لایحه قانونی ۱۳۴۷: «مجمع عمومی نمی‌تواند آورده‌های غیرنقد را بیش از آنچه که از طرف کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی شده است ، قبول کند » .

غیر نقد تصویب نشود اشخاصی که آورده آنها قبول نشده باید تعهدات خود را به نقد تبدیل نمایند و السهم ایشان باطل و سایرین می‌توانند به جای آنها تعهد کند .

۲- تصویب مزایای خاص

۴- تصویب اساسنامه

۵- تعیین مدیران و بازرسان

۶- تعیین روزنامه کثیرالانتشار

شخصیت حقوقی شرکت و ثبت آن

پس از تشکیل مجمع عمومی مؤسس و انجام وظایف خاصی که بعهدہ آن است شرکت ایجاد شده و شخصیت حقوقی می‌یابد .

طبق ماده ۱۹ لایحه قانونی ، پس از تشکیل شرکت باید آن را به ثبت رسانید و ثبت شرکت باید ظرف ۶ ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه جهت تشکیل به مرجع ثبت شرکتها صورت پذیرد . به ثبت رسانیدن شرکت پس از تشکیل آن به عهده مدیران شرکت می‌باشد .

تا وقتی شرکت به ثبت نرسیده باشد از انجام برخی از اعمال حقوقی محروم است مثل :

- ۱- صدور ورقه سهم یا گواهینامه موقت سهم (ماده ۲۸ لایحه قانونی)
- ۲- انتشار اوراق قرضه (ماده ۵۵ لایحه قانونی)
- ۳- استفاده از وجوهی که به حساب شرکت واریز شده است (ماده ۲۲ لایحه قانونی) .

اگر شرکت ظرف ۶ ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه جهت تشکیل شرکت به مرجع ثبت شرکتها به ثبت نرسد به درخواست مؤسسين یا پذیرهنویسان، مرجع ثبت شرکتها گواهی حاکی از عدم ثبت را به بانک ارسال و بانک وجوه پرداختی اشخاص مذکور را مسترد می‌نماید. (ماده ۱۹ لایحه قانونی) پس تحصیل شخصیت حقوقی شرکت موقوف به ثبت آن نیست ولی عدم ثبت شرکت ممکن است موجب انحلال آن شود .

سؤال : اگر مدیران شرکت پس از تشکیل آن و قبل از به ثبت رسیدن شرکت اقدام به معاملاتی نمایند که برای شرکت تعهد مالی ایجاد کند ولی شرکت به دلیل عدم ثبت منحل شود تکلیف اشخاص ثالثی که با شرکت معامله نموده‌اند چیست ؟

طبق ماده ۲۳ لایحه قانونی سال ۱۳۴۷ مؤسسين دارای مسئولیت هستند هر چند مسئولیت مؤسسان منطقی نیست .

تشکیل شرکت سهامی خاص

چنان که گفته شد شرکت سهامی خاص میان افراد معدودی تشکیل می‌گردد و لذا نیازی به مجمع عمومی مؤسس برای تشکیل آن وجود ندارد .

اساسنامه تدوین شده توسط تمام شرکاء امضاء می‌شود و سرمایه شرکت تماماً باید توسط خود سهامداران تعهد و حداقل ۳۵٪ آن به حسابی که در بانک افتتاح شده واریز گردد .

سهام غیر نقد برخی از شرکاء تابع همان مقررات شرکت سهامی عام است . به جای ورقه تعهد سهم شرکاء می‌توانند ذیل اظهارنامه‌ای را که دلالت بر تعهد کلیه سهام از سوی ایشان دارد امضاء کنند .

هر چند شرط تشکیل شرکت سهامی خاص ، انتخاب مدیران و بازرسان آن است ولی لازم نیست ایشان در مجمع عمومی مؤسس برگزیده شوند .

برای به ثبت رسانیدن شرکت سهامی خاص باید اظهارنامه‌ای به انضمام مدارک زیر به مرجع ثبت شرکتها تسلیم شود .

- ۱- اساسنامه شرکت به امضای تمام سهامداران رسیده است .
- ۲- اظهارنامه‌ای دال بر تعهد کلیه سهام از سوی سهامداران .
- ۳- رسید بانک مبنی بر پرداخت حداقل ۳۵٪ کل سرمایه تعهد شده توسط سهامداران .
- ۴- انتخاب مدیران و بازرسان شرکت که در صورتجلسه‌ای قید و به امضای کلیه سهامداران می‌رسد .

۵- قبولی کتبی سمت مدیریت و بازرسی توسط مدیران و بازرسان .

۶- ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های شرکت در آن منتشر خواهد شد .

سؤال : شرکت سهامی خاص ظرف چه مهلتی باید به ثبت برسد ؟ چون در مورد شرکت سهامی خاص تسلیم اظهارنامه موضوع ماده ۶ لایحه قانونی ضروری نیست لذا رعایت مدت مقرر در ماده ۱۹ این لایحه را باید از تاریخی که شرکت تشکیل می شود احتساب نمود و چون سهامداران اولیه شرکت مؤسسان آن تلقی می شوند پس اگر شرکت به ثبت نرسد ایشان در مقابل اشخاص ثالث مسئولند .

ضمانت اجرای عدم رعایت قواعد راجع به تشکیل شرکت

در صورت عدم رعایت موازین قانونی در مورد تشکیل شرکت سهامی می توان بطلان شرکت را از دادگاه تقاضا کرد (ماده ۲۷۰ لایحه قانونی ۱۳۴۷) .

علل بطلان شرکت سهامی

- ۱- علل عام بطلان مثل عدم اهلیت ، غیر معین بودن موضوع ، نامشروع بودن جهت
 - ۲- علل مربوط به لایحه قانونی ۱۳۴۷ مثل عدم رعایت حداقل سرمایه یا تعداد شرکاء
- بطلان شرکت را شخص ذینفع می تواند از دادگاه درخواست کند و در صورتی که قبل از صدور حکم بطلان شرکت موجبات بطلان برطرف شود دادگاه قرار سقوط دعوی بطلان را صادر خواهد کرد . دادگاه می تواند بنا به درخواست خوانده مهلتی را که نباید بیشتر از شش ماه باشد برای رفع موجبات بطلان تعیین کند (ماده ۲۷۰ تا ۲۷۲ لایحه قانونی ۱۳۴۷) .

نتیجه حکم بطلان شرکت سهامی

طبق قواعد عام حقوق مدنی بطلان دارای اثر قهقریایی است و لذا باید معاملات شرکت سهامی که دادگاه حکم به بطلان آن داده باطل باشد ولی طبق ماده ۲۷۰ لایحه قانونی ۱۳۴۷ مؤسسين و مدیران و بازرسان و صاحبان سهام شرکت نمی توانند در مقابل اشخاص ثالث به بطلان شرکت استناد نمایند .

براساس ماده ۲۷۴ لایحه قانونی ۱۳۴۷ دادگاه پس از حکم به بطلان شرکت باید در ضمن حکم خود یک یا چند نفر را به عنوان مدیر تصفیه تعیین کند و طبق ماده ۲۷۵ همان لایحه اگر اشخاص مزبور حاضر به قبول سمت مدیریت تصفیه نباشند ، دادگاه امر تصفیه را به اداره تصفیه امور ورشکستگی حوزه خود ارجاع می نماید .

مسئولیت های ناشی از عدم تشکیل شرکت بطور صحیح و قانونی

عدم رعایت مقررات مربوط به تشکیل شرکت سهامی متضمن هر دو نوع مسئولیت است :

- مسئولیت مدنی

- مسئولیت کیفری

طبق ماده ۲۷۳ لایحه قانونی ۱۳۴۷ کسانی که مسئول بطلان شرکت هستند در قبال اشخاص ثالث یا صاحبان سهام مسئولیت تضامنی دارند .

مسئولان بطلان شرکت بطور مطلق قابل تعقیب کیفری نیستند و تنها در مواردی که در قانون ذکر شده است امکان تعقیب و مجازات وجود دارد مانند بند اول ماده ۲۴۳ لایحه قانونی ۱۳۴۷.

اوراق بهادار در شرکت سهامی

در متون قانونی ما اوراق بهادار تعریف نشده است. در مقررات شرکتهای سهامی دو نوع از انواع اوراق بهادار یعنی اوراق سهام و اوراق قرضه وارد شده است که مورد مطالعه قرار میگیرد.

سهام و ورقه سهم

سهام عبارتست از قطعات مساوی سرمایه در شرکتهای سهامی که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت است. ورقه‌ای که بیانگر حق و مسئولیت مزبور است «ورقه سهم» خوانده می‌شود. برای صدور ورقه سهم اولاً باید شرکت تشکیل شده باشد ثانیاً شرکت به ثبت رسیده باشد ثالثاً تمام مبلغ اسمی سهم پرداخت شده باشد. طبق ماده ۲۵ لایحه قانونی ۱۳۴۷ اوراق سهام باید متحدالشکل و چاپی و دارای شماره ترتیب بوده و به امضای لااقل دو نفر که به موجب مقررات اساسنامه تعیین می‌شوند برسد. مندرجات اوراق سهام در ماده ۲۶ همان لایحه آمده است.

گواهینامه موقت سهم

اگر شرکت با وجود تمام شروط آمادگی صدور اوراق سهم را نداشته باشد مکلف است گواهینامه موقت سهم صادر کند. طبق ماده ۳۱ لایحه قانونی گواهینامه موقت سهم باید دارای شرایط شکلی اوراق سهم باشد. در صورتی که شرکت تشکیل شده و به ثبت برسد ولی هنوز کل مبلغ اسمی تعهد شده سهم پرداخت نشده باشد باید گواهینامه موقت با نام باشد و اگر کل مبلغ اسمی پرداخت شده باشد ممکن است گواهینامه موقت سهام بی‌نام صادر شود. طبق ماده ۲۷ لایحه قانونی ۱۳۴۷ حداکثر ظرف یکسال از پرداخت کل مبلغ اسمی سهم باید ورقه سهم به صاحب سهم تسلیم و گواهینامه موقت سهم مسترد و ابطال گردد.

ارزش سهم

سهام دارای دو قیمت است

- ۱- مبلغ اسمی که به موجب اساسنامه تعیین می‌شود و طبق ماده ۲۹ لایحه قانونی نباید از ۱۰ هزار ریال بیشتر باشد و براساس ماده ۳۲ همان لایحه مبلغ اسمی سهام و همچنین قطعات سهام در صورت تجزیه باید مساوی باشد.
- ۲- مبلغ واقعی که ارزش سهم در داد و ستد آن است و با توجه به وضعیت شرکت و بازار تعیین می‌شود مبلغ واقعی سهم بر خلاف مبلغ اسمی در نوسان است.

منظور از «ارزش بورس سهم» ارزش سهم در بازار بورس اوراق بهادار است .

قابل تجزیه بودن سهم

جایز بودن تقسیم سهم به قطعات کوچکتر از ماده ۳۲ لایحه قانونی ۱۳۴۷ فهمیده می‌شود. البته ماده مذکور جنبه امری ندارد و می‌توان در اساسنامه تجزیه سهام را ممنوع کرد.

تجزیه سهم در عمل ممکن است باعث اشکال شود . مثلاً اگر صاحبان سهم تجزیه شده در رأی دادن با هم توافق نکنند یا شخصی را به نمایندگی خود انتخاب نکنند نمی‌توانند در تصمیم‌گیری‌های شرکت دخالت کنند .

پیشنهاد : بهتر بودن قانونگذار یا تجزیه سهم را ممنوع اعلام یا مانند حقوق فرانسه برای هر قطعه تجزیه شده سهم ارزش یک سهم را قائل می‌شد .

قابل انتقال بودن سهم

در ماده ۲۴ لایحه قانونی ۱۳۴۷ ورقه سهم سند قابل معامله معرفی شده است . در شرکت سهامی عام صاحب سهم در انتقال سهم آزادی کامل دارد و طبق ماده ۴۱ لایحه قانونی ۱۳۴۷ نقل و انتقال سهام در این نوع شرکتها نمی‌تواند مشروط به موافقت مدیران یا مجامع عمومی باشد .

در شرکت سهامی خاص انتقال سهم بطور آزادانه به عنوان یک اصل پذیرفته است ولی از مفهوم ماده ۴۱ لایحه قانونی می‌توان استنباط کرد که این آزادی را می‌توان محدود کرد .

سؤال : در شرکت سهامی خاص اگر یک شریک قصد واگذاری سهام و خروج از شرکت داشته و با مخالفت مدیران یا مجامع روبرو شود در فرضی که انتقال سهام مشروط بر موافقت ایشان است باید چه کند ؟

به نظر می‌رسد وی نمی‌تواند درخواست انحلال شرکت را نماید زیرا مواردی که برای انحلال شرکت وجود دارد در ماده ۲۰۱ لایحه قانونی آمده و قانونگذار فرض مذکور را در این موارد نیاورده است . لذا راه حل این مسئله آن است که شرکت سهم شریک خواهان خروج را باز خرید کند و سرمایه خود را به میزان سهم شریک مزبور کاهش دهد یا خود شرکاء سهم او را بخرند یا اشخاص مورد نظر شرکت را پیدا کنند تا سهم شریک خواهان خروج را بخرند .

نحوه انتقال سهام با نام و بی‌نام متفاوت است : انتقال سهام با نام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد در حالی که در سهام بی‌نام چون ورقه سهم سند در وجه حامل است لذا با داد و ستد آن انتقال صورت می‌گیرد (مواد ۳۹ و ۴۰ لایحه قانونی ۱۳۴۷) .

در ماده ۱۱۴ لایحه قانونی برای اصل قابل نقل و انتقال بودن سهام استثنایی وارد شده است . طبق این ماده سهامی که مدیران شرکت در صندوق آن به عنوان وثیقه سپرده‌اند تا وقتی مفاصا حساب دوره تصدی خود در شرکت را دریافت نکرده باشند غیر قابل انتقال است .

بر طبق ماده ۱۹۸ لایحه قانونی ۱۳۴۷ خرید سهم شرکت توسط همان شرکت ممنوع است این ممنوعیت خرید سهام شرکت به وسیله همان شرکت مطلق نیست و استهلاک سهام به وسیله شرکت به جز در موردی که شرکت اوراق قرضه منتشر کرده کاملاً مجاز

است (ماده ۶۵ لایحه قانونی ۱۳۴۷) . استهلاك سهام شرکت متفاوت از کاهش سرمایه آن است .

انواع سهام

سهام را می‌توان از جهات مختلف تقسیم‌بندی کرد که به برخی از آنها اشاره می‌شود :

سهام با نام و بی‌نام

تقسیم‌بندی سهام به با نام و بی‌نام در تبصره یک ماده ۲۴ لایحه قانونی ۱۳۴۷ آمده است. سهم با نام به سهمی گفته می‌شود که در ورقه راجع به آن مشخصات صاحب سهم ذکر شده باشد .

سهم بی‌نام سهمی است که ورقه راجع به آن متضمن نام صاحب سهم نیست .

مزایای سهام با نام

- ۱- شرکت صاحب سهم را خواهد شناخت و این امر باعث تسهیل ارتباط شرکت با اوست .
 - ۲- تقسیم سرمایه و این که قدرت تصمیم‌گیری در اختیار چه کسانی است معلوم می‌شود.
 - ۳- مقامات دارایی می‌توانند درآمد صاحبان سهام را دریابند و محاسبه کنند .
- در برخی از شرکتها مثل اغلب شرکتهای دولتی لزوماً باید سهام با نام باشد . چنانکه قبلاً گفته شد انتقال سهام با نام با ثبت در دفتر ثبت سهام شرکت انجام می‌شود . چون در ورقه سهام بی‌نام مشخصات دارنده سهم ذکر نشده است لذا به راحتی قابل نقل و انتقال است و اشخاص تمایل بیشتری به چنین سهامی از خود نشان می‌دهند . شرکت ممکن است براساس اساسنامه یا تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده سهام بی‌نام را به بانام یا برعکس تبدیل کند .

شرایط ممکن است براساس اساسنامه یا تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده سهام بی‌نام را به بانام یا برعکس تبدیل کند .

شرایط و مقررات تبدیل سهام از ماده ۴۴ به بعد لایحه قانونی ۱۳۴۷ پیش‌بینی شده است. برای تبدیل سهام بی‌نام به بانام سه نوبت در روزنامه کثیرالانتشار شرکت به فاصله ۵ روز آگهی می‌شود و از سهامداران برای تبدیل سهامشان دعوت می‌شود . مهلتی که برای تعویض به سهامداران داده می‌شود نباید کمتر از ۶ ماه از تاریخ اولین آگهی باشد . پس از انقضای مهلت اگر سهامدارانی مراجعه کنند سهامشان باطل می‌شود و شرکت برابر آن تعداد سهام فروخته و پس از کسر هزینه‌های شرکت مبلغ آنرا در حساب بهره‌دار بانکی می‌گذارد تا در مراجعه صاحبان آن داده شود . اگر تا ده سال ایشان برای گرفتن پول خود مراجعه نکنند جز اموال بلاصاحب تلقی و به خزانه دولت واریز می‌گردد.

در تبدیل سهام با نام به بی نام یک نوبت آگاهی می‌شود و مهلتی که کمتر از دو ماه نیست به صاحبان سهام داده می‌شود . پس از انقضای مهلت اگر برخی سهامداران مراجعه نکنند سهام بی‌نام صادر و در مرکز شرکت نگهداری می‌شود و با مراجعه صاحبان سهام تعویض صورت می‌گیرد.

سهام نقدی و غیرنقدی

کسانی که آورده نقدي به شرکت می‌آورند سهم نقدي و به اشخاصي که آورده غيرنقدي به شرکت می‌آورند سهم غيرنقدي اختصاص داده می‌شود .

سهم غيرنقدي در قانون تجارت پیش‌بینی شده بود ولي در لایحه قانوني ۱۳۴۷ چنین سهمي پیش‌بینی نشده و به نظر می‌رسد قانونگذار سهم غيرنقدي را نپذیرفته است . پس آورده شرکاء چه نقد یا غيرنقد باشد سهام نقدي داده می‌شود که اوراق متحدالشکل دارد .

سهام عادي و ممتاز

سهم ممتاز سهمي است که به صاحب آن امتیازاتي می‌دهد که به صاحبان سهام عادي تعلق نمی‌گیرد مانند تخصیص سود سالانه بیشتر

اعطای هر گونه امتیاز به برخی از صاحبان سهام یا باید در اساسنامه پیش‌بینی شده باشد و یا به تصویب مجمع عمومي فوق‌العاده برسد .

در صورت تردید اصل در شرکتهاي سهامي آن است که همه دارندگان سهام از حقوق مساوي برخوردارند .

حقوق و تهدات ناشي از مالکیت سهام

شخصي که مالک سهام شرکت می‌شود حقوق و تعهداتي دارد .

الف) حقوق مالک سهام

۱- سهم شدن در سود شرکت

- میزان سود شرکت در مجمع عمومي عادي معین می‌شود . این سود لزوماً قابل تقسیم نیست .

- سود قابل تقسیم به صورت نقدي پرداخت می‌شود نه به صورت سهام جدید مگر در قالب افزایش سرمایه .

- مقدار سود هر سهامدار بستگی به میزان سهام او دارد .

- پرداخت سود موکول به حاصل شدن سود است و الا پرداخت هر وجهي به عنوان سود ممنوع می‌باشد .

- سود غيرواقعي که از محل سرمایه پرداخت می‌شود سود موهوم نام دارد .

- پرداخت سود موهوم برای رئیس شرکت ، اعضاي هیأت مدیره و مدیر عامل مسؤولیت کیفري و مدني دارد .

- دریافت کنندگان سود موهوم موظف به استرداد آن هستند .

- طبق ماده ۲۴۰ لایحه قانوني از تاریخ تصویب مجمع ظرف ۸ ماه باید تقسیم سود انجام پذیرد .

۲- سهم شدن در دارايي شرکت

- منظور از سهم شدن، مالکیت مشاع یا مفروز نسبت به سرمایه شرکت نیست .

- صاحبان سهام در صورت تصمیم به افزایش سرمایه در خرید سهام بر دیگران مقدمند .

- در صورت انحلال شرکت و پس از تصفیه ، سهامداران به نسبت سهام خود از دارايي شرکت حصه می‌برند .

۳- حق اطلاع از وضعیت شرکت

- صاحبان سهام حق دارند از وضع شرکت مطلع شوند .
- اطلاع از وضع شرکت معمولاً قبل از تشکیل مجامع عمومی ضرورت می‌یابد .
- صاحبان سهام معمولاً از طریق گزارش بازرسان شرکت از وضع شرکت اطلاع حاصل می‌یابند.

۴- حق عضویت در شرکت

- سهامدار را بدون رضایت نمی‌توان از شرکت اخراج نمود مگر در موارد قانونی .
- انتقاد:** در قانون راهی برای اخراج شریک به دلایل موجه پیش‌بینی نشده است و این امر به عدم سازگاری شرکاء و انحلال شرکت می‌انجامد.

۵- حق رأی

- مالکین سهام با داشتن حق رأی در تصمیم‌گیری‌های شرکت مشارکت می‌نمایند .
- طبق تبصره ماده ۷۵ لایحه قانونی ۱۳۴۷ هر سهم دارای یک رأی خواهد بود .
- دارنده سهام بیشتر حق رأی بیشتر داشته و در تصمیمات اتخاذ شده با رأی‌گیری مؤثر خواهند بود .
- ممکن است شخصی با سهام ممتاز رأی بیشتری نسبت به تعداد سهام خود داشته باشد .

- حق رأی سهامدار را نمی‌توان حذف کرد مگر در موارد قانونی .

- انتقال حق رأی سهامدار به دیگران جز به قصد اعطای نمایندگی در دادن رأی صحیح نیست .

- طبق ماده ۲۵۷ لایحه قانونی عدم رعایت حق رأی سهامداران از سوی مدیران شرکت موجب مسئولیت کیفری ایشان می‌گردد .

۶- حق انتقال سهم به وسیله دارنده آن

- چنانکه قبلاً آمد در شرکتهای سهامی عام سهامداران در انتقال سهام خود آزادند .
- در شرکتهای سهامی خاص بر اساس مفهوم ماده ۴۱ لایحه قانونی، آزادی سهامداران را در خصوص انتقال سهام می‌توان محدود نمود .

ب) تعهدات مالک سهام

- تنها تعهد دارنده سهم در شرکت سهامی ، پرداخت مبلغ اسمی سهم به شرکت است .
- مطالبه مبلغ پرداخت نشده سهام طبق ماده ۳۳ لایحه قانونی باید ظرف مهلت مقرر در اساسنامه صورت گیرد . وظیفه مطالبه مبلغ باقی مانده بعهد مدیران شرکت است .
- اگر در مهلت مقرر در اساسنامه مابقی مبلغ اسمی پرداخت نشود هیأت مدیره شرکت باید مجمع عمومی فوق‌العاده را برای تصمیم‌گیری در خصوص تقلیل سرمایه شرکت دعوت کند .

- عدم مطالبه باقی مانده مبلغ اسمی از سوی مدیران یا عدم دعوت از سهامداران برای تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده در صورت عدم پرداخت باقی مانده مبلغ اسمی طبق ماده ۲۴۶ لایحه قانونی برای مدیران مسئولیت کیفری دارد .

- اگر باقی مانده مبلغ اسمی پرداخت نشود و شرکت سرمایه خود را به میزان پرداخت شده کاهش ندهد طبق ماده ۳۳ لایحه قانونی هر ذینفع می‌تواند از دادگاه تقلیل سرمایه شرکت را به میزان پرداخت شده مبلغ اسمی سهام بخواهد .

شیوه مطالبه باقی مانده مبلغ اسمی سهام و ضمانت اجرای آن در ماده ۳۵ لایحه قانونی ۱۳۴۷ پیش‌بینی شده است .

اگر حاصل فروش سهم اشخاصی که از پرداخت باقی مانده مبلغ اسمی سهام خودداری می‌کنند برای پرداخت بدهی صاحب سهم به شرکت کافی نباشد از محل اموال شخصی او شرکت استیفای طلب می‌کند .

اوراق قرضه

طبق ماده ۵۱ لایحه قانونی ۱۳۴۷ تنها شرکت‌های سهامی عام می‌توانند اوراق قرضه منتشر کنند .

طبق ماده ۵۲ لایحه قانونی ۱۳۴۷ ورقه قرضه معرف مبلغی وام است با بهره معین که باید در موعد یا مواعد معین مسترد شود .

انتشار اوراق قرضه از مصادیق معاملات ربوی است و شرعاً اشکال دارد. به جای آن می‌توان از ابزار اوراق مشارکت استفاده نمود .

ارکان شرکت سهامی :

۱- رکن تصمیم گیرنده (مجمع عمومی)

۲- رکن اداره کننده (هیأت مدیره)

۳- رکن نظارت کننده (بازرس)

مجمع عمومی:

مجمع عمومی شرکت سهامی از اجتماع صاحبان سهام تشکیل می‌شود.

انواع مجامع عمومی

مجمع عمومی مؤسس مجمع عمومی عادی (سالانه) مجمع عمومی فوق‌العاده
در عمل ممکن است مجمعی که تشکیل شده هم عنوان مجمع عمومی عادی و هم فوق‌العاده را داشته باشد .

مجمع عمومی عادی (سالانه)

- مجمع عمومی عادی طبق ماده ۸۹ لایحه قانونی ۱۳۴۷ باید سالی یک بار تشکیل شود .
- اگر مجمع عمومی خارج از موعد مقرر در طول سال تشکیل شود آنرا مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده می‌خوانند که غیر از مجمع عمومی فوق‌العاده است .
- صلاحیت مجمع عمومی عادی عام است (ماده ۸۶ لایحه قانونی ۱۳۴۷) مثل رسیدگی به ترازنامه یا تصمیم به تقسیم سود یا عزل و نصب مدیران و بازرس یا بازرسان .

- سهامداران می‌توانند در جلسه مجمع خود یا نمایندگان نشن حضور یابند البته مشروط بر آن که قبل از تشکیل مجمع عمومی با مراجعه به شرکت ورقه ورودی دریافت کرده باشند (ماده ۹۹ لایحه قانونی ۱۳۴۷).

- سهامداران برای تصمیم‌گیری صحیح نیاز به اطلاعات دارند لذا طبق ماده ۱۳۹ لایحه قانونی صاحب سهم پانزده روز قبل از تشکیل مجمع عمومی می‌تواند به مرکز شرکت رجوع، صورت حسابها را مطالعه و از ترازنامه و حساب سود و زیان و گزارش مدیران و بازرسان رونوشت بگیرد.

- ضمانت اجرای عدم ارائه اطلاعات به سهامداران آنست که هر ذینفع می‌توان از دادگاه ابطال تصمیمات متخذه در مجمع را درخواست کند.

زمان تشکیل مجمع عمومی عادی: طبق ماده ۱۳۸ لایحه قانونی مجمع باید در زمانی که در اساسنامه پیش‌بینی شده است تشکیل شود و اگر در اساسنامه موعده مشخص نشده باشد مدیران شرکت حداکثر ظرف شش ماه پس از سال مالی باید صاحبان سهام را دعوت کنند. عدم رعایت این وظیفه موجب مسئولیت مدنی و کیفری برای مدیران است (ماده ۲۵۴ لایحه قانونی).

مکان تشکیل مجمع عمومی عادی: جلسات باید در محلی که در اساسنامه شرکت تعیین شده است تشکیل شود و اگر مکان خاصی در اساسنامه پیش‌بینی نشده باشد جلسه در جایی که مدیران تعیین می‌کنند تشکیل خواهد شد. محل تشکیل جلسات باید در آگهی دعوت صاحبان سهام درج شود (ماده ۱۰۰ لایحه قانونی).

دعوت از سهامداران

دعوت از سهامداران برای شرکت در مجمع عمومی اصولاً به عهده مدیران است. اگر مدیران به وظیفه خود عمل نکنند صاحبان یک پنجم سهام می‌توانند از مدیران دعوت از صاحبان سهام را بخواهند. اگر ظرف بیست روز این درخواست اجابت نشد صاحبان حداقل یک پنجم سهام می‌توانند از بازرسان بخواهند که ظرف ده روز چنین کنند و اگر بازرسان هم دعوت نکردند خود صاحبان سهام مذکور می‌توانند رأساً اقدام به دعوت کنند (ماده ۹۵ لایحه قانونی ۱۳۴۷).

اگر مدت مأموریت مدیران منقضی شده و مدیران جدید هنوز انتخاب نشده باشند و ایشان مجمع عمومی را دعوت نکنند هر ذینفع می‌تواند از مرجع ثبت شرکتها دعوت مجمع عمومی عادی را برای انتخاب مدیران درخواست کند (ماده ۱۳۶ لایحه قانونی ۱۳۴۷).

در صورت انحلال شرکت در مدت تصفیه دعوت مجامع عمومی بر عهده مدیران تصفیه است. اگر مدیران تصفیه خود را عمل نکنند ناظران اقدام می‌کنند والا هر ذینفع می‌تواند از دادگاه بخواهد که حکم به تشکیل؟ بدهد (ماده ۲۱۹ لایحه قانونی ۱۳۴۷).

دعوت از صاحبان سهام برای شرکت در مجمع عمومی از طریق نشر آگهی در روزنامه‌ای که آگهیهای مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد به عمل می‌آید (ماده ۹۷ لایحه قانونی).

- مجمع عمومی باید حداقل پس از ده روز و حداکثر ظرف چهل روز از تاریخ نشر آگهی تشکیل شود (ماده ۹۸ لایحه قانونی).

- در آگهی دعوت ، دستور جلسه ، مکان و زمان تشکیل مجمع درج می‌شود (ماده ۱۰۰ لایحه قانونی) .
- طبق ماده ۱۰۱ لایحه قانونی مجمع عمومی توسط هیأت رئیسه‌ای مرکب از یک رئیس و یک منشی و ۳ ناظر اداره می‌شود . معمولاً رئیس جلسه همان رئیس هیأت مدیره است مگر این که در اساسنامه به گونه‌ای دیگر پیش‌بینی شده باشد یا دستور جلسه انتخاب یا عزل بعضی مدیران باشد . در حالت اخیر رئیس جلسه با اکثریت نسبی انتخاب خواهد شد .
- براساس ماده ۱۰۵ لایحه قانونی از مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی توسط منشی صورجلسه‌ای ترتیب داده می‌شود که به امضای هیأت رئیسه رسیده و یک نسخه در مرکز اصلی شرکت نگهداری می‌شود . در مواردی که در ماده ۱۰۶ لایحه قانونی پیش‌بینی. نسخه- ای از صورجلسه باید به مرجع ثبت شرکتها ارسال شود .
- برای این که جلسه مجمع عمومی عادی رسمیت پیدا کند باید دارندگان بیش از نصف سهام در جلسه حضور یابند و اگر جلسه به رسمیت نرسید از صاحبان سهام برای بار دوم با ذکر نتیجه دعوت بار اول دعوت به عمل آمده و با هر تعداد جلسه رسمی خواهد بود (ماده ۸۷ لایحه قانونی ۱۳۴۷) .
- رأی گیری با اکثریت نصف به علاوه یک آرای حاضرین معتبر است مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی ملاک است (ماده ۸۸ لایحه قانونی ۱۳۴۷) .
- اگر در یک جلسه نتوان به تمام دستور جلسه پرداخت و تصمیم‌گیری نمود جلسه مجمع تمدید می‌شود .
- جلسه بعدی محتاج آگهی یا دعوت نیست و ادامه جلسه قبل محسوب می‌شود و برای رسمیت یافتن با همان حد نصاب جلسه قبل احتساب می‌شود (ماده ۱۰۴ لایحه قانونی) .
- عدم رعایت تشریفات برگزاری جلسه مجمع ممکن است برای هیأت رئیسه ، مدیران یا صاحبان سهام
- مسئولیت کیفری به دنبال داشته باشد و نیز عدم رعایت مقررات در جلسه به هر ذینفع اجازه می‌دهد تا از دادگاه درخواست ابطال تصمیمات مجمع را بنماید . البته اگر قبل از صدور حکم بطلان موجبات آن مرتفع گردد دادگاه قرار سقوط دعوی صادر می‌کند (ماده ۲۷۱ لایحه قانونی ۱۳۴۷) .
- کسانی که مسئول بطلان هستند متضامناً در مقابل سهامداران یا اشخاص ثالث مسئولند (ماده ۲۳۷) .

مجمع عمومی فوق‌العاده

- این مجمع را فوق‌العاده می‌نامند به این دلیل که در امور فوق‌العاده شرکت تصمیم‌گیری به عمل می‌آورد مانند تغییرات در مواد اساسنامه شرکت.
- مجمع عمومی فوق‌العاده در تمام مواد اساسنامه نمی‌تواند تغییر دهد مثلاً طبق ماده ۹۴ لایحه قانونی این مجمع نمی‌تواند تابعیت شرکت را تغییر دهد .
- صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده در قانون آمده است و مجمع مزبور نمی‌تواند خارج از حدود صلاحیتش تصمیم‌گیری کند .

- چون تصمیمات مجمع در خصوص تغییراتی در اساسنامه است و اداره ثبت شرکتها باید از آن آگاه گردد لذا نسخه‌ای از صورتجلسه مجمع به مرجع ثبت شرکتها ارسال می‌شود .
- تمام سهامداران شرکت حق دارند در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده حضور داشته و در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت نمایند.
- برای رسمیت یافتن جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده حضور دارندگان بیش از نصف سهام ضرورت دارد.
- طبق ماده ۸۴ لایحه قانونی ۱۳۴۷ اگر در اولین دعوت جلسه رسمیت نیابد برای بار دوم دعوت به عمل می‌آید و این بار در صورت حضور دارندگان بیش از یک سوم سهام جلسه به حد نصاب می‌رسد.
- اگر در بار دوم هم جلسه به حد نصاب نرسد موضوع مسکوت می‌ماند.
- طبق ماده ۸۵ لایحه قانونی ۱۳۴۷ تصمیم‌گیری در مجمع عمومی فوق‌العاده با اکثریت دو سوم آرای حاضرین به عمل می‌آید.